بحث و نظر: بودجه سال 76 در یک نگاه

تجزیه و تحلیل بودجه سالانه کشور،اعم از بودجهء جاری‏ یا سهم سالانه بودجه عمرانی،نیاز به تحلیل‏های عمیق‏ دارد تا جنبه‏های مختلفی که می‏باید در هر بودجه رعایت‏ شود،نگریسته شود و روشن شود که آیا بودجهء سالانهء کشور،جامع و مانع هست یا نیست.به عبارت دیگر آیا با رعایت صرفه‏جوئیهای لازم اولویت‏ها در آن رعایت‏ شده و کارآئی اجرائی کامل دارد یا ندارد.چنین بحثی طبعا طولانی خواهد شد و احتمالا از فرصت چنین مقاله‏ای‏ بیرون است.ما در اینجا،در حدی که صفحات‏"نامه اتاق‏ بازرگانی‏"اجازه می‏دهد،سعی می‏کنیم ارقام و آمار بودجه‏ سال 76 را مورد بررسی قرار دهیم و در موارد لازم،نویسنده‏ نیز نظر شخصی خود را-که الزاما نظر اتاق بازرگانی‏ و صنایع و معادن ایران نیست-در آن بگنجاند.

تعادل درون‏بخشی

نخستین نکته‏ای که در بودجهء سال آینده کشور جلب‏ توجه می‏کند وجود تعادل بودجه‏ای در بخشهای مختلف‏ است.به عبارت دیگر،علاوه بر کل بودجهء کشور که‏ بصورت متعادل تنظیم شده است،بودجه عمومی دولت، بودجه شرکتهای دولتی و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته‏ به دولت نیز از حیث درآمد و هزینه متعادل است.به این‏ ترتیب فرض این است که بودجهء عمومی کشور به مصرف‏ هزینه شرکتها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت نرسد و این مؤسسات بصورت خودگردان درآیند.جالب توجه این‏ است که بزرگترین رقم بودجه‏ای کشور مربوط به بودجهء شرکتها و مؤسسات دولتی و بانکها و مؤسسات انتفاعی‏ می‏باشد.به این معنی که در همان حال که بودجه عمومی‏ دولت از حیث درآمد و نیز از حیث هزینه 74909 میلیارد ریال‏ است(ارقام برای سهولت خواندن درحد میلیارد ریال‏ سرراست شده است)بودجه شرکتهای دولتی و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت-از حیث درآمد و نیز از حیث هزینه 117959 میلیارد ریال می‏باشد.بدیهی‏ است بر رقم درآمد بودجه عمومی باید 6377 میلیارد ریال‏ بودجهء اختصاصی وزارتخانه‏ها و مؤسسات دولتی را(هم از حیث درآمد و هم از حیث هزینه)افزود.زیرا که این بودجه‏ نیز در عمل بخشی از بودجه عمومی کشور است،با این‏ تفاوت که گاه نحوهء وصول و گاه نحوهء هزینه کردن آن‏ با بودجهء عمومی دولت متفاوت است.

نکته در خور توجه دیگر اینست که مطابق هر بودجه‏نویسی‏ صحیح،درآمدها مقدم بر هزینه‏هاست.به عبارت دیگر، اجازهء هزینه در حد وصولی را و سایر منابع تأمین اعتبار می‏باشد.

عبارت‏"سایر منابع تأمین اعتبار"نیاز به کمی بحث دارد. گاه حقیقتا وجهی وصول نشده امّا وصول آن در آینده‏ محقق بنظر میرسد.این یک نوع اعتبار است.هنگامی که‏ ضرورتی فوری برای یک هزینه اساسی و آنی مطرح‏ می‏شود،طبعا نمی‏توان براصل تقدم درآمد بر هزینه‏ بطور انعطاف‏ناپذیر تکیه کرد.فرصا جنگی در گرفته یا یک‏ حادثهء ناگوار طبیعی روی داده است.دفاع و ترمیم‏ ویرانیها و جلوگیری از گسترش آنها امری فوری است که باید به اعتبار درآمدهائی که در آینده وصول خواهد شد.نسبت‏ به رفع مشکل فوری اقدام نمود.در عین حال ضرورت‏ اینگونه هزینه‏های مبتنی بر تأمین اعتبارات آتی باید محقق باشد،والاّ دولتها هرگاه کمترین تنگنائی احساس‏ کنند به این روش متوسل می‏شوند و به قرضه از سیستم‏ بانکی یا به عبارت بهتر به قرضه از بانک مرکزی کشیده‏ می‏شوند که عاملی تورم‏زا محسوب می‏شود.

اوراق مشارکت

در بودجهء سال آینده به دولت اجازه داده شده است برای‏ تسریع در اجرای عملیّات طرحهای عمرانی ملی،تا مبلغ‏ -2250 میلیارد ریال اوراق مشارکت منتشر نماید.با این‏ اقدام،دولت در حقیقت مردم را در برنامه‏های عمرانی‏ شریک و سهیم می‏سازد.در گذشته-چند بار اوراق قرضه‏ دولتی منتشر شده بود که معروفترین آن اوراق قرضه ملی‏ زمان حکومت دکتر مصدق بود که جریان نفت ایران به‏ جهان قطع شده بود.اما آن قرضه‏ها با استقبال ملی روبرو نشد.(از قرضه‏های اسارت بار خارجی در سالهای قبل‏ از انقلاب مشروطیت سخنی نمی‏گوئیم)در سالهای اخیر که‏ بعضی مؤسسات با تضمین لازم اوراق مشارکت منتشر کرده‏اند به خوبی کار آنها موردتوجه قرار گرفته است، بطوریکه مردم نیز به موقع به یاری دولت می‏آیند و در مجموع، اقتصاد کشور را به‏پیش می‏برند.اما طبیعی است که‏ مشارکتها بتدریج باید اقتصادی‏تر و مبتنی بر اصول‏ صحیح‏تر استوار شود از جمله مردم باید عادت کنند از خطر استقبال نمایند(ریسک‏کنند)و در عین حال‏ مؤسساتی که سرمایه‏گذاری می‏کنند نسبت به سهم‏ خود دارای رأی برای انتخاب مدیران باشند تا آن‏ فلاصله‏ایکه سالهای طولانی بین دولت و مردم ایجاد شده‏ و دولت را بجای آنکه خدمتگزار مردم باشد،حاکم‏ بر سرنوشت مردم درآوده است،تغییرجهت دهد. در نظر داشته باشیم«میزان رأی مردم است».

انعطاف‏پذیری

در کار شرکتها و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به‏ دولت،یک نوع انعطاف‏پذیری بوجود آمده است.بودجهء سال آینده،آنها را قادر ساخته است،در صورت فراهم شدن‏ موجبات افزایش تولید،بنابر مقتضیات ناشی از نوسان‏ قیمتها(در حقیقت برای سازگاری با تورم موجود در جامعه)، اساسنامهء مورد عمل خود را تغییر دهند.به این شرط که‏ تغییرات مذکور موجب کاهش مالیاتها و سود سهام‏ پیش‏بینی شده دولت را فراهم نسازد و ضمنا سبب افزایش‏ استفاده شرکتهای و مؤسسات مذکور از بودجهء عمومی دولت‏ نشود.به این ترتیب در عمل تغییرات درون سازمانی که به‏ منظور بهره‏گیری بهتر از کارها ضروری است،مورد تأیید قرار گرفته است و جز این هم نباید باشد.هر شرکت و مؤسسه‏ باید بتواند در چارچوب قوانین کلی،در موارد اجرائی،با رعایت‏ مقتضیات روز،قدرت عملکرد داشته باشد والاّ از سیر تحولات‏ زمان عقب می‏ماند و ناچار به تعطیل می‏شود.

دولت،ارز و پرداخت بدهی بانک‏ مرکزی

در بند ج مادهء واحدهء بودجه،به دولت اجازه داده شده است‏ درآمد حاصل از فروش مازاد حاصله ارز را به فروش رسانده‏ و ریال دریافتی را صرفا برای بازپرداخت بدهی حساب‏ ذخیرهء تعهدات به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران‏ اختصاص دهد.عبارت پرنزاکت«حساب ذخیرهء تعهدات» در حقیقت همان بدهی انباشته شده دولت به بانک مرکزی‏ است که سالیان طولانی یا بوسیلهء قرضه مستقیم‏ (و در نتیجه انتشار اسکناس)یا با اسناد دولت به وثیقه‏ جواهرات(که هرگز ارزیابی نشده است و بازهم به‏ انتشار اسکناس منتهی می‏شد)از بانک مرکزی(و قیل از آن‏ از بانک ملی)گرفته شده و می‏شود.امّا درآمد فروش ارز دولت‏ همان است که فعلا دولت ارز حاصل نفت و هر محل‏ دیگر را پس از رفع نیازهای ارزی،اگر اضافه‏ای داشته باشد، به قیمت مقرر(به تفاوت از 1750 ریال تا 3000 ریال به‏ بانک مرکزی می‏فروشد و درآمد هنگفتی از این طریق جمع‏ می‏شود.دولت حالا نه فقط نمی‏خواهد از بانک مرکزی‏ قرض بگیرد،بلکه با این عمل می‏کوشد بتدریج قرضه‏های‏ خود را به بانک مرکزی بپردازد و آن بانک را قادر سازد تا وظیه خود را در زمینه حفظ ارزش پول ملی اداء کند، امّا معلوم نیست سرنوشت ارزیابی بدهی دولت به بانک‏ مرکزی رد شرائط تورمی سخت سالهای اخیر چه خواهد بود؟آیا دولت اصل وامی را که سالها قبل گرفته بود می‏پردازد؟آیا 12 درصد سود سالانه برای آن منظور می‏کند؟آیا محاسبات تورم شدید سالهای اخیر را در آن‏ منظور می‏کند؟این سئوالهای به هیچ وجه بی‏مورد نیست،بلکه در سیاست پولی و مالی آیندهء کشور مؤثر است.اگر بانک مرکزی در شرائط تورمی دائم به دولت قرض‏ بدهد و در شرائطی که ارزش پول به شدت تنزل یافته آنرا عینا وصول کند،در حقیقت به زیان بانک مرکزی و به نفع‏ دولت قرض‏گیرنده تلقی می‏شود،و این امر ممکن است‏ دولتها را تشویق کند که هر سال قرضه بیشتری از بانک‏ مرکزی اخذ کنند.بانک مرکزی اگرچه براساس قانون پولی‏ و بانکی کشور مؤسسه مستقلی است،معهذا می‏دانیم که این‏ استقلال محدود است و عملا بانکهای مرکزی در همه‏ جای دنیا زیر نفوذ دولت قرار دارند،و دولتها در شرائط اضطراری،با توسل به وسائل گوناگون نیازهای پولی خود را از طریق این بانک،یا با وساطت این بانک از دیگر بانکهای تجاری و یا نهایتا از طریق جابجائی عوامل‏ (مانور)مالی مانند تغییر نرخ تنزیل مجدد،خواسته‏های خود را عملی می‏کنند و کل این جریان تورم را در جامعه دامن‏ می‏زند-مگراینکه وجوه حاصله به مصرف تولیدات‏ کوتاه‏مدت برسد.در هر صورت اینکه دولت مازاد نرخ‏ افزایش یافته ارز را به مصرف پرداخت بدهی‏های قبلی به‏ بانک مرکزی می‏رساند،خود یک گام مثبت در جهت‏ کاستن از تعهدات مالی دولت محسوب می‏شود و باصطلاح‏ جای شکرش باقی است.

ضمنا وزارتخانه‏ها و مؤسسات دولتی مکلف شده‏اند درآمدهای ارزی خود را مستقیما تحویل بانک مرکزی‏ نمایند.بانک مکلف است هم ارزریالی درآمدهای مذکور را به نرخ شناور محاسبه کند و به حساب درآمدهای عمومی‏ کشور واریز نماید.این امر سبب می‏شود که آشفتگی‏های‏ ارزی سالهای اخیر ازبین برود.بیاد داریم که درگذشته‏ هر سازمان برای تحصیل ارز،به هر وسیله‏ای متشبث‏ می‏شد و ارز حاصل را نیز مستقیما به مصرف آنچه‏ مورد نیاز تشخیص می‏داد می‏رسانید،حتی اگر در مواردی‏ نیازها صوری بود و اساسی نبود.در بودجهء سال آیندهء کشور،وارد درآمد و هزینه ارزی مجرای معقولی می‏شود که‏ امید است با پیشرفت آن،آنچه مرسوم کشورهای پیشرفته‏ دنیاست،بتدریج فرصت بروز بیابد.یعنی به جائی برسیم‏ که ارز و خرید و فروش آن اصولا مسأله‏ای نباشد و بتواند مانند هر کالای دیگری براساس عرضه و تقاضای‏ روز،معامله شود.البته تجربه نشان داده است که در این راه‏ بی‏احتیاط نباید گام برداشت و بهتر است همهء امور حساب‏ شده باشد تا نابسامانیهای چند سال گذشته تکرار نشود.

مالیات بر مصرف

مالیات بر مصرف،که سالها مورد بحث و اتاق بازرگانی‏ و صنایع و معادن ایران نیز،یکی از طرفداران آن بود در بودجهء سال آینده کشور نیز گنجانیده شده است.قسمت 1 از بندد-تبصره هشت بودجه مقرر می‏دارد:در سال 1376 تولیدکنندگان کالا و ارائه‏دهندگان خدمات(اشخاص‏ حقوقی)و همچنین واردکنندگان کالا(اعم از اشخاص‏ حقیقی و حقوقی)مکلفند دو درصد قمیت نهائی فروش‏ کالا و خدمات مربوط به مصرف‏کنندگان(شامل سهم‏ سازمان حمایت مصرف‏کنندگان و تولیدکنندگان)را در مبادی تولید و فروش و ارائه خدمت اولیه به عنوان مالیات‏ بر مصرف با درج در صورتحساب فروش از خریداران آنها دریافت و ظرف یک ماه به خزانه واریز کنند.در تعدیل این‏ ماده آمده است که:کالاها و خدماتی که مصرف عمومی‏ دارند و مورد نیاز طبقات کم‏درآمد جامعه می‏باشند،از مالیات موضوع این بند معاف هستند.فهرست کالاها و خدمات مزبور به تصویب هیات وزیران می‏رسد.

در توجیه این بند باید گفت:در اینکه مالیات بر مصرف، تحت عنوان مالیات بر ارزش‏افزوده می‏تواند به عدالت‏ مالیاتی تحقق بخشد،کمتر جای بحث است.اما جمع‏ آوری آن از تولیدکننده و ارائه‏دهنده خدمت در مبادی‏ تولید،کار صحیحی نیست،بلکه باید این مبالغ‏ از خریدار نهائی که از ارزش افزوده سود می‏برد دریافت شود. البته به دشواری کار واقف هستیم.وزارت امور اقتصادی‏ و دارائی تا زمانی که نتواند صندوقهای فروش زیرکلید خود در تمام فروشگاههای بزرگ و کوچک شهر و روستا ایجاد کند از دریافت مالیات بر مصرف یا ارزش افزوده از مشتری‏ عاجز خواهد بود.در این صورت فروشنده که مالیات‏ را موقتا می‏پردازد،آنرا جزو هزینه می‏برد و برای هر هزینه‏ نیز سودی منظور می‏کند و به این ترتیب خریدار هم مالیات‏ بر مصرف می‏دهد و هم سود آن را،بسته به انصاف‏ فروشنده،به فروشنده می‏پردازد.این نقض غرض است. معمولا در کشورهای پیشرفته پس از حساب قیمت‏ فروش،درصد نهائی مالیات ارزش افزوده به صورت حساب‏ اضافه می‏شود و از مصرف‏کننده به حساب وزارت دارائی‏ وصول می‏گردد و دیگر فروشنده بر این رقم چیزی اضافه‏ نمی‏کند.حال اگر وزارت دارائی بخواهد بابت وصولی این‏ مبالغ سهمی برای فروشنده درنظر بگیرد-مانند سودی که‏ سابقا برای فروشندگان تمبر در نظر گرفته می‏شد،آن بحث‏ دیگری است.

مورد دیگر اینست که مالیات بر مصرف الزاما باید در سطح‏ نازلی باقی بماند و از جمله اموری نباشد که هر سال دولت‏ سهمی قابل توجه بر آن بیافزاید.

استثنا کردن کالاهای مورد مصرف عمومی از این قسمت‏ در حقیقت خدشه‏دار کردن اصل موضوع است ما بارها گفته‏ایم که دولت می‏تواند و می‏باید نیازمندان را شناسائی‏ کند و مستقیما آنها را تحت حمایت قرار دهد.اما یارانه دادن‏ و مالیات بر مصرف گرفتن و کالاهای مورد مصرف عمومی‏ را استثنا کردن،یک بام و چند هواست و با هیچ معیاری‏ نمی‏خواند.

دو درصد مربوط به سالهای 74 و 75 نیز باید توسط وزارت‏ دارائی وصول شود.حال وزارت اموراقتصادی و دارائی تا چه‏ حد در این راه موفق شود،مربوط به عملکرد آیندهء این‏ وزاتخانه است.

کمک به رشد آموزشی هماهنگ

یک نکته جالب در بودجه سال آینده-و اصولا در برنامه‏های توسعهء اقتصادی و اجتماعی سالهای اخیر- مربوط به رشد هماهنگ و سراسری و کمک به مناطق‏ محروم کشور با هدف محرومیت زدائی است.برای مثال 50 میلیارد ریال خاص برای تحت پوشش قرار دادن دانش‏ آموزان دورهء راهنمائی و متوسطه مناطق روستائی که‏ نسبت اینگونه دانش‏آموزان آنها نسبت به دانش‏آموزان‏ مدارس ابتدائی،کمتر از حد متوسطه کشور می‏باشد اختصاص داده شده است تا به این ترتیب سطح‏ تحصیلات راهنمائی و متوسط این مناطق نیز به سطح کل‏ کشور برسد.همچنین دستگاههای اجرائی مجاز شناخته‏ شده‏اند یک درصد از اعتبارات جاری خود را برای امر- «کار-دانش»(تحصیل ضمن خدمت)اختصاص دهند که‏ در حقیقت یکنوع بازآموزی نیروی انسانی و به‏ روزنگهداشتن اطلاعات آنها می‏باشد.در همین قسمت‏ اجازه داده شده است قسمتی از وقت کارکنان ما هر جهت‏ آموزش مهارتهای فنی و حرفه‏ای در اختیار دبیرستانها و دوره‏های خاص گذاشته شود-معادل 300 میلیارد ریال‏ نیز برای احداث و تجهیز مدارس در نظر گرفته شده است.

ارتش در خدمت سازندگی

ارتش جمهوری اسلامی ایران،امروز ارتشی نیست که‏ به گفته دکتر مصدق یک عمر حقوق یگیرد تا یک روز انجام وظیفه کند.این ارتش از بعد از انقلاب طوری‏ سازمان دهی شده است که پیوسته از همه امکانات خود برای حفاظت از مرزها و تمامیت ارضی کشور و نیز سازندگی کشور استفاده کند.

برای مثال در بند و-از تبصره 9 بودجه سال آینده کشور به نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای‏ مسلح جمهوری اسلامی ایران اجازه داده شده است.با حفظ توان کامل رزمی،نیروهای تحت نظر خود را برای‏ اجرای طرحها و پروژه‏های عمرانی،تجهیزات مهندسی در اختیار دستگاه‏های اجرائی کشور قرار داده و با آنان قرارداد پیمان‏کاری منعقد نماید.احتمالا خوانندگان بیاد دارند که‏ در گذشته آن همه تجهیزات و ساز و برگ نظامی و نفربرها و وسائل مهندسی،فقط در مانورها بکار می‏رفت و هر سال‏ صدها وسیله گرانبها زنگ می‏زد و می‏فرسود و از بین‏ می‏رفت.حالا استفاده سازنده در زمان صلح بصورت یک‏ اصل در امور نظامی جمهوری اسلامی ایران درآمده است. خاصه آنکه فعال‏ترین و کارآمدترین جوانان کشور در این‏ نیرو انجام وظیفه می‏کنند.در همین زمینه سازمانهای‏ دولتی که دارای ماشین‏آلات و دستگاههای سنگین و وسائط نقلیه سنگین هستند که نمی‏توانند به نحو مطلوب‏ از آنها استفاده کنند،مجاز به فروش آنها شده‏اند تا از طریق وجوه حاصله وسائلی را که به آن نیاز دارند،خریدار کنند.

مطالبات بیمه‏های اجتماعی

پرداخت مطالبات بیمه‏های اجتماعی از دولت،بصورت‏ چیزی در حکم هیچ چیز در آمده است.فرض این است که‏ دولت به سازمانهای دولتی و خصوصی بدهکار نشود و اگر بدهکار شد،بدهی خود را بصورت مرسوم و با وجه رایج‏ مملکت بپردازد.اما بند و-تبصره 10 بودجه می‏گوید"دولت‏ موظف است‏"حداقل 30 درصد از بقیه مطالبات‏ سازمان را تا سال 76(با توافق سازمان مذکور)با واگذاری‏ اموال و دارائی‏های دولت و سهام کارخانجات و موسسات‏ دولتی و ملی شده و سهام دولت در شرکتها و طرحهای نیمه‏ تمام عمرانی تادیه و تسویه نماید.بهتر است درباره این‏ قسمت به تعبیر و تفسیری دیگری نپردازیم.

بند ل-تبصره مذکور می‏گوید سهم دولت از بیمه اقشار نیازمند متناسب با تعداد افراد واجد شرائط که توسط کمیته‏ امداد امام‏خمینی(ره)و مطابق قانون بیمه همگانی‏ خدمات درمانی کشور تحت پوشش قرار می‏گیرند،به‏ کمیته امداد امام پرداخت خواهد شد.

متصرفین غیر قانونی

تبصره 12 قانون بودجه سال آینده کل کشور ناظر بر وضع‏ موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی،نظامی و انتظامی‏ است که در گذشته براساس نیازها و ضرورت‏های مختص‏ اوائل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی،بدون اخذ مجوز قانونی و موافقت متصرفین پیشین یا با اجازه متصرفین‏ پیشین می‏باشد.مقرر شده است کمیسیونی برای رفع این‏ مشکل تشکیل شود و در هر مورد که رای صارد شود اگر سازمان متصرف از اجرای حکم سر باز زند،سازمان برنامه‏ مکلف شده است معادل ارزش ملک از بودجه سازمان‏ متصرف کسر نموده به مدعی بپردازد.همینقدر که قانون‏ پاره‏ای ضرورت‏ها را بعنوان ضرورت‏های مختص اوائل‏ انقلاب و جنگ تحمیلی می‏شناسد،نشان از آنست که‏ جامعه اسلامی باید براساس قوانین محکم و متقن‏ و پایدار-و نه ضرورت‏های زودگذر-استوار گردد.چنین‏ احکامی است که به قوه قضائیه و اجرائیه قدرت معنوی‏ و اجرائی لازم را برای اجرای عدالت اعطا می‏کند.چنین‏ برداشت درستی سبب میشود که اگر تصمیمات مقطعی‏ -به ضرورت-گرفته می‏شود،در فرصت مناسب اصلاح‏ گردد.بسیاری از قوانین کشور،از جمله قانون جلب و حمایت‏ سرمایه‏های خارجی با همین نقطه‏نظر نیاز به بازنگری‏ مجدد دارد.

یارانه از کیسه مردم

تبصره پنج بودجه کلا به یارانه تعلق دارد.براساس این‏ تبصره،یارانه از ابتدای سال آینده به پیشنهاد سازمان‏ برنامه و بودجه و تصویب شورای اقتصاد تخصیص خواهد یافت.ظاهرا این اختیار اجرائی مقدمه‏ای است برای آزاد گذاشتن دست دولت در حذف یارانه به صورت تدریجی‏ و واگذار کردن امور دادوستد به عرضه و تقاضا.این کاری‏ صحیح است و بازار کالاهای مورد نیاز مردم را از سلطه‏ گروهی سوداپیشه دلال نجات می‏دهد و آن را متوجه‏ تولید و عرضه صحیح می‏سازد.در سال جاری شاهد بودیم‏ آزادی آهن و فولاد چگونه سبب کاهش قیمت این‏ کالا گردید و حذف یارانه شیر چگونه دکان عده‏ای دلال‏ را تخته کرد و شیر فراوان گردید.هنوز هم بر این عقیده تکیه‏ می‏کنیم(تاکید نظر نویسنده است)که باید یارانه از صورت‏ کنونی خارج شده،نیازمندان واقعی به طریق موثرتری‏ مورد حمایت قرار گیرند.

اما صحبت اینست که ما به التفاوت قیمت کالاهای‏ موضوع بند 10 ماده 7 اساسنامه سازمان حمایت‏ مصرف‏کنندگان و تولیدکنندگان،از تولیدکنندگان، واردکنندگان یا فروشندگان کالا وصول می‏شود و به حساب‏ درآمد عمومی کشور واریز می‏شود.طبعا تولیدکننده، و فروشنده از جیب خود چیزی نمی‏پردازد و آن را به هر حیله‏ و تدبیر که میسر باشد از مصرف‏کننده وصول می‏کند و در حقیقت یارانه رسما وجود ندارد.دیگر اینکه گذاشتن یک‏ امر وصولی به عهده سازمانی که بنام حمایت‏کننده‏ شناخته می‏شود.صحیح نیست.سوم اینکه بهتر بود بجای‏ عبارت موضوع بند فلان از ماده بهمان.اصل مطلب درج‏ می‏شد تا همگان بدانند موضوع چه کالائی در میان است‏ زیرا طبیعی است که کمتر خواننده‏ای اساسنامه سازمان‏ حمایت از تولیدکننده و مصرف‏کننده را پیش‏رو دارد تا زحمت یافتن ماده و بند و تبصره مربوط را به خود بدهد.ساده‏نویسی و جامع و مانع‏نویسی متون قانونی‏ هنری است که باید همه دست‏اندرکاران آن را فرا گیرند.

ساختمانهای اداری

بند ح-از تبصره 11-اختصاص به استانداردها و الگوهای ساخت ساختمانهای اداری دارد.طبیعی است که‏ برای چند منطقه خاص کشور باید الگوهای مشابهی‏ ساخته شود واردات دولتی و تاسیسات عمومی در هر یک از مناطق مشابه با استانداردهای همسان ساخته شود. فرضا برای مناطق خشک و گرمسیری یک نوع،برای‏ مناطق مربوط نوعی و برای مناطق سرد و یخبندان نوع‏ دیگر،طبیعی است ظاهر بنا را می‏توان دور از هرگونه‏ اسراف‏کاری غیر ضروری به نحوی رو سازی کرد که با بافت‏ هر شهر هماهنگی داشته باشد و آفرینش زیبائی تلقی‏ گردد.زیرا که زیباسازی امروز،در جلب توریست فردا موثر خواهد بود.بعلاوه تناسب و رعایت اعتدال و آینده‏نگری را در ساختمانها باید رد نظر داشته باشیم.نه گشاده‏بازی‏ کنیم و نه‏چندان تنگ‏نظرانه رفتار کنیم که گوئی داریم‏ قفس می‏سازیم.ضمنا اصلاح طرحهای نیمه تمام نباید به صورتی باشد که هزینه اضافی ایجاد کند و یا سبب‏ ایجاد واحدهای نامتجانس گردد.کمی دست مهندسان‏ معمار و شهرساز را باز بگذارید و آینده‏نگر باشید،بی‏آنکه‏ این امر شمار را به اسراف در کار بکشاند.

تخصیص اعتبارات قابل توجه برای طرح‏های کوچک‏ عشایری و روستاهای محروم به مبلغ 80 میلیارد ریال.اگر چه ناکافی است اما تاکید اینکه 70 درصد این وجوه در روستاها و مناطق عشایری خرج شود بسیار خوب و شایسته‏ توجه است.

خرید مصالح-تجهیزات،قطعات‏ یدکی و ماشین‏آلات کارگاهی

تبصره 21 بودجه،اختصاص به تنخواه‏گردان طرحهای‏ عمرانی ملی دارد.ظاهرا به منظور جلوگیری از کمبود مصالح در حین کار و تعطیل شدن،فعالیت‏ها و نیز بالا رفتن‏ تدریجی قیمتها،در نظر گرفته شده است معادل 10 درصد از اعتبارات مصوب طرحهای ملی و 15 درصد از اعتبارات‏ عمرانی استانی توسط دستگاه اجرائی ذیربط خریداری‏ شود و پس از تحویل به کارگاه‏ها به حساب قطعی منظور شده،هزینه تمام‏شده از صورت وضعیت پیمانکاران‏ خرید می‏کنند یا نه خود مساله‏ایست اما مهمتر اینکه‏ خرید یک‏جا و هجوم همزمان برای خرید مصالح مورد نظر،که در وضعیت فعلی کمیاب است،تنگناهای شدیدی‏ بوجود خواهد آورد که خود می‏تواند زاینده انواع فساد در جامعه باشد.ولی البته برای تولیدکنندگان‏ و عرضه‏کنندگان بازار مطمئنی فراهم می‏سازد.

بودجه تحقیقاتی

تبصره 22 به بودجه تحقیقاتی نظر دارد که رقمی معادل‏ 15 درصد از بودجه تحقیقاتی موسسات را الزاما باید هزینه کنند.در بند ب این تبصره آمده است که خرید دانش‏ فنی از خارج به شرطی مجاز خواهد بود که با تشخیص‏ شورای پژوهشهای علمی کشور،دانش فنی آن در کشور وجود نداشته باشد.این بند در مورد دانش فنی بکار رفته در کالاهای ساخته شده وارداتی ساکت است.فرضا اگر می‏توان یک کاربراتور را در داخل کشور ساخت آیا ورود اتومبیل خارجی با کاربراتور خارجی مجاز است یا باید کاربراتور آن در داخل ساخته شود.همینطور در مورد دیگر موارد مشابه.

تعمیر-بناهای تاریخی

تبصره 23 به دستگاههای اجرائی اجازه داده است از محل بودجه‏های پیش‏بینی شده،ساختمانهائی را که‏ دارای ارزش تاریخی و فرهنگی(به تشخیص سازمان‏ میراث فرهنگی)و با کاربری موردنظر دستگاه قابل تطبیق‏ هستند،خریداری کند و نسبت به تعمیر،تجهیز و بهره‏برداری از آنها اقدام نمایند.متاسفانه،یا راه افراط را می‏پیمائیم یا راه تفریط را.یک وقت شبانه‏روز کلنگ‏ و تیشه و وسائل برقی به دست می‏گیریم و ارزنده‏ترین‏ شاهکارهای معماری جهان را به دست خود ویران می‏ کنیم،یک وقت هم در بیابانهای دورافتاده،به یاد بازسازی‏ بنائی می‏افتیم که از آن احیانا چند خشت و دیوار ویران‏ شده برجای مانده است.البته آثار فراوانی در کشور وجود دارد که ارزش نگهداری دارند.اما در خیلی موارد بهتر است‏ از تجدید ویرانه‏ها که کاری پرهزینه است چشم بپوشم‏ و به احداث بناهای جدید و زیبا و بیادگار ماندنی بپردازیم‏ برای آیندگان تاسیسات ماندنی و زیبا برجای بماند.البته‏ این امر به‏هرحال جنبه استثنائی دارد و آنچه مهم است‏ اینست که اعتبارات اندک خود را به مصرف ساختمانهای‏ مسکونی مردم بی‏خانه برسانیم.لیکن همین مناطق‏ مسکونی را نیز از طریق فضاسازی می‏توان زیبا و بانشاط نمود.